

مهمترین روژنامه خراسان در انقلاب مشروطه

تقدیم به روان زنده‌یاد دکتر فریدون آدمیت
که از او بسیار آموختم

استان خراسان بنا به موقعیت خاصی که داشت از دیگر شهرهای ایران، شهرهایی چون تبریز، تهران، اصفهان، رشت دیرتر به مشروطه‌خواهی برخاست، علت این بود که هر جا مشروطه‌خواهان خراسان میتینگ‌ها داشتند گروه سیه‌جامگان که محل استقرار آنها در مسجد گوهرشاد بود به آنها اجازه اجتماع و سخنرانی نمی‌دادند. سیه‌جامگان همه لباس سیاه یکدست می‌پوشیدند و علامتی به سینه خود داشتند که در درگیرها شناخته شوند و از دست دوستان خود کتک نخوردند. اعضاء سیه‌جامگان بسیاری از مشروطه‌خواهان و مدیران روزنامه‌ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. استاد بهار مثنوی زیبایی در این باره دارد که در دیوان او آمده است. در شهر مشهد از اوائل ۱۳۲۴ هجری قمری چند روزنامه شروع به انتشار کردند. روزنامه‌هایی چون خورشید، طوس، بشارت. اما این روزنامه‌ها نقش فعالی در بیداری مردم نداشتند تنها و تنها به چاپ اخبار متداول می‌پرداختند. گروه سیه‌جامگان موی دماغ آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان بودند. در میان آزادی‌خواهان سید حسین اردبیلی و ملک‌الشعراء بهار بودند که نقش تعیین‌کننده داشتند. حیدر عمواغلی که او را در آن ایام به نام حیدر برقی می‌شناختند چهره سوم بود که تقریباً به صورت پنهان با سید حسین اردبیلی و ملک‌الشعراء همکاری جدی و پنهان داشت. سید حسین اردبیلی و بهار مصمم شدند در مقابل روزنامه‌هایی که بود و نبودشان چندان

فرقی نمی‌کرد روزنامه‌ای منتشر کنند که زبان گویای آزادی‌خواهان باشد بنابراین نیت در تاریخ ۵ شنبه ۲۵ صفرالمظفر ۱۳۲۷ ه. ق. اولین شماره روزنامه گرانقدر خراسان را در شهر مشهد منتشر کردند که تصویر صفحه اول آن را در این نوشته ملاحظه می‌فرمائید. عنوان روزنامه در دایره زیبایی آمده خراسان ۱۳۲۷ و در چهار طرف عنوان روزنامه چهار کلمه آورده‌اند: برادری، برابری، آزادی، آبادی. سمت راست عنوان، عنوان مراسلات، مشهد مقدس، مدیرکل رئیس الطلاب است. دیرونگارنده (م... ی) اجرت پست همه جا به عهده اداره است. قیمت اشتراک شش ماهه از همه کس در همه جا مقدماً دریافت می‌شود. سمت چپ عنوان: وجه اشتراک، سالانه مشهد مقدس دو تومان. سایر بلاد ایران ۲۵ قران. روسیه و ترکستان ۷ منات. سایر بلاد خارجه ۷۱ فرانک زیر عنوان آمده بتاريخ ۵ شنبه ۲۵ صفرالمظفر ۱۳۲۷، سمت چپ قیمت یک نمره سه شاهی است زیر عنوان نام روزنامه آمده: «در سایه عنایت اعلیحضرت شمس‌الشموس السلطان علی بن موسی انریضا ارواحنا فدا، عجالتاً هفته‌ای دو نمره طبع و توزیع می‌شود. اخبار مقالات و لوايح سیاسی ادبی تاریخی پذیرفته و آزادانه اشاعت می‌یابد، مقالات غیر مندرجه مسترد نخواهد شد»^۱.

استاد بهار درباره انتشار روزنامه خراسان نوشته است:

«پس از مرگ مظفرالدین شاه کشاکش میان مجلسیان و محمد علی شاه درگرفت و تاریخی دراز دارد. بر اثر این کشاکش در بعضی شهرها پایدارها و ایستادگیهایی از طرف احرار و مشروطه‌خواهان برخلاف شاه مستبد، بروز کرد که مرکز عمده آن اسلامبول، تبریز، رشت، اصفهان، مشهد، تربت حیدریه و تبریز فارس شمرده می‌شد.

۱. سابقه روزنامه‌نگاری در مشهد مقدس به دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار می‌رسد. در سفر اولی که ناصرالدین شاه به زیارت حضرت رضا و بازدید از استان خراسان رفت همراه خود چاپخانه کوچکی داشت که در این سفر روزنامه اردوی همایون کوچک را در شهرهای مختلف منتشر کرد. روزنامه اردوی همایون کوچک در مجموع پنج شماره منتشر شده که دو شماره‌اش را در استان خراسان منتشر کرده‌اند و در سفر دوم هم که ناصرالدین شاه به خراسان رفت همچنان چاپخانه‌ای همراه داشت که اردوی همایون را به اندازه رحلی محمدرضای کلهر می‌نوشت و محمد حسن خان صنیع‌الدوله دستور چاپ آن را می‌داد و به چاپ می‌رسید. این دو دوره اردوی همایون هر دو تجدید چاپ شده‌اند. اردوی همایون کوچک که اولین شماره‌اش در سمنان در محرم الحرام ۱۲۸۴ ق. انتشار یافت و شماره چهارم آن در چمن قهقهه در اطراف مشهد و اردوی همایون دوم که در سال ۱۳۰۰ هجری قمری منتشر شد در مجموع ۱۲ شماره انتشار یافته است. اولین شماره آن در دماوند و آخرین شماره آن هنگام بازگشت از خراسان در تهران منتشر شده است. روزنامه ادب را ادیب‌الممالک فراهانی در اندازه رحلی در سال ۱۳۱۸ ه. در شهر مشهد منتشر کرد.

عنوان مراسلات
(شبهه مقس)

مدیر کل رئیس الطلاب
دیروز کارنده (م ۰۰۰۰۰۰ ی)
اجرت یک همه جانم داده است
قیمت اشتراک ششماه از همه
کس در همه جا مقدماً
دریافت میشود.

برادری



برابری

وجه اشتراک سالانه

شبهه مقس ۲ تومان
سایر بلاد ایران ۲۵ قران
روسیه و ترکستان ۷ مان
سایر بلاد خارجه ۷۱ فرانک

در سایه عمارت اعز حضرت شمس الشموس السلطان
علی بن موسی الرضا اروا خفاهده عجلاله هفتاد و نه
طبع و ترویج میشود اخبار مقالات و انواع سیاسی ادبی
تاریخی پدیده و آراء و افکار می باید
مقالات غیر متوجه بشود نخواهد شد

قیمت یک کلمه سه شاهی است

تاریخ پنجمین شماره ۲۵ صفر المظفر
۱۳۲۷

خراسان

اگرچه پس از وقایع غیر منتظره (۲۳ ح ۱۳۲۶)
که از اعظم مصائب تاریخی ایران و همی آئین منته چنگیزی
بشمار می رود آن احساسات خریب جوانانه که از تمام نقاط
ایران بایک جوش غیر سرغراضیان حیرت و نشاطی
عالمیان گردیده بود موقتاً بیک سکوت و آرامی طبیعی
بمعلفد ولی بموجب همان برهان قاطع حس و وجدانی
سکه فلسفه تاریخ ملل دین بروشنی آفتاب واضح و آشکار
نموده (که مقاومت اوه استبداد در مقابل هیجان یک
ملت آزادی خواه محال عقلاست) شدریج تا یوم غیرت
ملیه که در کانون سینه ما حس و لفظ دودان بواسطه فشار
برده های لاذک استبداد مسفور بود از همه جا شعله ور شده
اول (آذربایجان) آذربایجان استبداد افکنده سپس
(لاریستان) بعد (استرآباد) قدرت ملی را آشکار
ساخته پس آران (اصفهان) بیرق استبداد را حواریده
بعد (گلران) و (مازندران) لوی خراب را بدنه
گردید بخت بر ما دانه نمود و استیلاء خود را تا (برد)
و (کاشان و قم) وسعت داده مجاهدین (رشت)
بیرق شروطیت را در (فرون) کوبیدند حجه الاسلام
علیه سید عبدالحسن لاری پس از اجرای قوانین
شروطیت در (پندر خلیج و (محلات سبزه تریس)

بسی هزار سوار جرار دور (شیراز) راهبصورت
ساعت در ایتموقع ملت (خراسان) نیز سکه تا کتون
بواسطه مجبورات و مواسمی چند مانند غنچه با خون دل
خراوش در عین هیجان آرام و در ملت های جوش و خروش
ساکت بودند تا عزمی راسخ در استرآباد حقوق ملیه
و اجرایی احکام و احباب الاطاعه صحیح اسلام با سایر برادران
دینی و وطنی هم آواز گردیدند اهالی خراسان تا کتون
چندین دفعه بطور آرامی و مقبولیت در پیشرفت مقاصد
ملیه اقدام نموده بالاخره بعد از وقایع ۲۳ شعبان
و اتفاقات بیخه اول ذیقعه شجره ملت شد سکه
مخالصین این مقصود مقس بدون یک اقدام قهری در ساعت
استدعیات ملت حاضر نخواهد بود از یک طرف هم
نظر پناه بیت موقع سرحدی و بملاحظه جنیت مرکزیه
ارض اقدس سکه نقطه عزیمت و اجتماع نفوس متنوعه
مسلمانان داخله و خارجه است بطوریکه متجاوز از دو
ثلث سکنه این شهر از مسلمانان قفقاز و ترکستان و افغانستان
و نقاط مختلفه ایران تشکیل یافته طبقات عالیله ملت خراسان
اندامات قهریه را مناسب نمیدیدند - بالاخره مجاهدین
خراسان سکه بواسطه اخیر در اجرای احکام صحیح
اسلام از سایر برادران دینی شرمسار بودند بینه سیرشان
از خون دل لبریز گردیده در اجرای مقاصد ملیه با استمال

در مشهد انجمنی به نام انجمن «سعادت»، به وسیله ارتباط با انجمن «سعادت اسلامبول» و احرار بادکوبه به وجود آمد و جمعی از تربیت شدگان مستخدم دولت و طلاب مدارس و تجار و کسبه در آن انباز شدند و لوای انقلاب را بلند کردند. چون والی خراسان رکن الدوله مردی معتدل و خیرخواه و قوای محلی او هم بسیار کم و خزانه مالیه هم تهی بود مقاومت دولتیان با قوای ملی انجمن ایالتی آن طور شدید نبود که کار به خونریزی زیاد منجر گردد با این وصف کشاکش زدوخوردهایی بین مجاهدان و سربازان و سایر هواخواهان دولت در گرفت و یک مرتبه هم قوای دولت روس مداخله کرده به سوی شهر و مسجد گوهرشاد تیراندازی با توپ و مسلسل به وقوع پیوستند.

مسجد و بازارها و تلگرافخانه در دست مردم و قلعه ارک و قسمتی از محله سراب و ارک در دست دولتیان بود و همه روزه نطق‌هایی در مسجد و نقاط دیگر در ترویج مشروطه و تهییج مردم به حمایت از آزادی ایراد می شد و دولتیان قدرتی ابراز نمی داشتند.

۵۹۱

من و رفقای دیگر در این مدت عضو مراکز انقلابی بودیم و روزنامه خراسان را به طریق پنهانی طبع و به اسم رئیس‌الطلاب موهوم منتشر می کردیم و اولین آثار ادبی من در ترویج آزادی در آن روزنامه انتشار یافت.^۱

روزنامه خراسان که استاد بهار به آن اشاره کرده و مشخصات اولین شماره آن در آغاز این نوشته یاد شده مهمترین روزنامه‌ای است که در پایان کار محمد علی شاه در شهر مشهد منتشر شده است. این روزنامه را سید حسین اردبیلی به اتفاق ملک‌الشعراء بهار منتشر کردند. نگارنده ۱۷ شماره این روزنامه را دیده‌ام که مشخصات اولین شماره‌اش را قبلاً مطالعه فرمودید و شماره ۱۷ آن در تاریخ ۵ شنبه ۵ جمادی‌الثانیه ۱۳۱۷ ه. ق. در همان مطبعه طوس که اولین شماره هم در همین مطبعه به چاپ رسیده، به چاپ رسیده است. مدیریت آن چاپخانه را سید مرتضی موسوی داشته است.

سرمقاله اولین شماره روزنامه خراسان زیر عنوان «خراسان» آغاز شده است که قسمتی از آن سرمقاله را در زیر مطالعه می فرمائید:

«خراسان» اگرچه پس از وقایع غیرمنتظره ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ که از

۱. ملک‌الشعراء بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد اول، ۲-۱۳۲۱ ش، دیباچه.

اعظم مصائب تاریخی ایران و ثانی اثنین فتنه چنگیزی بشمار می‌رود آن احساسات حریت جوانه که از تمام نقاط ایران با یک جوش و غیرت سرشار اسباب حیرت و تماشای عالمیان گردیده بود موقتاً به یک سکوت و آرامی طبیعی مبدل شد. ولی به موجب همان برهان قاطع حسی و وجدانی که فلسفه تاریخ ملل دنیا به روشنی آفتاب واضح و آشکار نموده که مقاومت قوه استبداد در مقابل هیجان یک ملت آزادی‌خواه محال عقل است. به تدریج نایره غیرت ملیه که در کانون سینه‌ها حبس و فقط دود آن به واسطه فشار پرده‌های نازک استبداد مستور بود از همه جا شعله‌ور شده اول «آذربایجان» آذربایجان استبداد افکنده، سپس لارستان، بعد، استرآباد قدرت ملیه را آشکار ساخته پس از آن اصفهان بیرق استبداد را خوابانیده، بعد گیلان و مازندران لوای حریت را بلند کردند. بختیارها دامنه نفوذ و استیلاء خود را تا یزد و کاشان و قم وسعت داده مجاهدین رشت بیرق مشروطیت را در قزوین کوبیده حجت‌الاسلام حاجی سید عبدالحسین لاری پس از اجرای قوانین مشروطیت در بنادر خلیج و محلات سبعة فارس با سی هزار سوار جرار دور شیراز را محصور ساخت در این موقع ملت خراسان نیز که تاکنون بواسطه محذورات و موانعی چند مانند غنچه با خون دل خاموش در عین هیجان آرام و در منتهای جوش و خروش ساکت بودند...

بالاخره مجاهدین خراسان که بواسطه تأخیر در اجرای احکام حجج اسلام از سایر برادران دینی شرمسار بودند پیمانہ صبرشان از خون دل لبریز گردیده در اجرای مقاصد ملیه به استعمال قوای ناریه مصمم شدند چنانکه شب یکشنبه ۱۴ صفر مقارن وقت سحر با یک صدای بسیار مهیب که موجی از قهر دریای ملی بود تمام سکنه این شهر را از خواب گران بیدار ساختند. عقلا و رؤساء مملکت دیدند اگر خدای نکرده اندکی هم سکوت خود را امتداد دهند بیم آن است که شرار هیجان ملی در خراسان آتشی برافروزد که به یک باد خرمن امتیت و آسایش عمومی بسوزد. این بود که با اهتمامات حجج اسلام و علماء اعلام و رؤساء والا مقام به کوری چشم معاندین شریعت و برغم الف دشمنان دین و ملت روز یکشنبه ۱۴ صفر «انجمن ایالتی خراسان» به عضویت همان اعضاء

منتخبه سابقه رسماً مفتوح و منعقد گردید. عصر همان روز به تصویب انجمن مقدس ایالتی بعضی ادارات دولتی از جانب مجاهدین خراسان ضبط شد. اعضاء محترم انجمن بلافاصله به ترتیب و تهیه قوای ملیه و تشکیل کمیسیون احانه قرار گذاشتند از روز ۱۶ [صفر] بازارها باز و اهالی در کمال امنیت و آسایش مشغول کسب و کار شدند بالغ بر ششصد نفر از جوانان غیور خراسان همه روزه برای حفظ امنیت شهر منظمأ و مسلحأ در محلات حرکت می‌کنند.^۱

در کشاکش انقلاب مشروطه در مشهد دو روزنامه منتشر شده یکی همین روزنامه خراسان و یکی روزنامه تازه بهار. این دو روزنامه دربر دارنده اطلاعات روز و سندهایی است که در هیچ یک از روزنامه‌های آن ایام نمی‌توان دید. روزنامه خراسان را سید حسین اردبیلی و بهار دایر کردند اما در حقیقت گرداننده آن بهار بود، زیرا سید حسین مشاغل مختلفی داشت و فرصت آن که به روزنامه برسد نداشت. تازه بهار را هم که خود بهار صاحب امتیاز و مدیر و گرداننده آن بود بعد از آن که دایبشرا نماینده دولت روسیه تزاری سال اول روزنامه نوبهار را توقیف کرد بهار بلافاصله امتیاز تازه بهار را گرفت و حملات خود را به روسیه تزاری شدت بخشید. متأسفانه روزنامه تازه بهار که دربر دارنده اسناد مهمی از اوضاع خراسان بود بیش از ۹ شماره منتشر نشد و آن هم توقیف شد. آنچه در این نوشته مورد نظر ما است معرفی روزنامه خراسان است. این روزنامه اسنادی را در خود دارد که در دیگر روزنامه‌های خراسان دیده نمی‌شود. علت پرباری این روزنامه از این جهت است که سید حسین اردبیلی و ملک‌الشعراء بهار هر دو از اعضاء فعال احزاب پیشرو خراسان و عضو انجمن ایالتی خراسان بودند و چون انجمن ایالتی خراسان مرکز نقل اطلاعات آن ایام بود هر تلگراف و سندی که به انجمن ایالتی خراسان می‌رسید سید حسین و بهار کپی آن را برای انتشار در روزنامه خراسان فراهم می‌کردند. هنگام درگیریهای مشهد در ماه صفر ۱۳۲۷ به بعد مشیرالسلطنه در مقام صدراعظمی بود و سخت نگران اوضاع خراسان. شاهزاده رکن‌الدوله که عهده‌دار حکومت خراسان بود مردی مردم‌دار بود و نسبت به مشروطه‌خواهان مدارا می‌کرد. مشیرالسلطنه، رکن‌الدوله را از مقام خود عزل کرد و نیرالدوله را به حکومت خراسان منسوب کرد اما رکن‌الدوله وقتی به تلگرافهای مشیرالسلطنه نگذاشت و به تهران حرکت نکرد. مشیرالسلطنه در تاریخ ۱۵ صفر ۱۳۲۷ تلگرافی به رکن‌الدوله کرد که مفاد آن به قرار ذیل است:

«تلگراف مشیرالسلطنه از باغ (باغشاه تهران) به مشهد: خدمت حضرت مستطاب اشرف والا شاهزاده رکن الدوله دام اقباله آفرین بر عقل و کفایت شما همچو تصور می‌نماید که دیگر نباید در دنیا زندگانی نمائید. هر چه تلگراف کردم که شما زودتر حرکت نمائید و خودتان را ضایع نکنید گوش ندادید به همان علی بن موسی الرضا در این فقره خیلی خبط کرده‌اید هر کس این راهنمایی را به شما کرده است خیانت محض است شنیده‌ام دی شب به خانه عبدالله خان رئیس قزاق بمب انداخته‌اند خیلی محل تعجب است اگرچه باور ندارم خودتان می‌دانید عبدالله خان گذشته از اینکه سرتیپ قزاق همشیره حضرت اشرف والا نیرالدوله دام اقباله است این فقره پر واضح است که در این فقره غرض محض است.

شب ۱۵ صفر صدراعظم»

مشیرالسلطنه چون دید تلگرافات و تهدیدات او در رکن الدوله بی اثر است به شاهزاده منتصرالملک نایب‌الایاله خراسان متوسل شد و تلگرافی از او خواست که علماء و بزرگان مشهد را دعوت کند و جلو آشوب را بگیرد تا نیرالدوله وارد مشهد بشود. از سواد تلگرافهایی که در روزنامه خراسان مندرج است پیدا است که منتصرالملک هم کاری از پیش نبرده است. در شب ۲۲ صفر از تربت حیدریه تلگرافی به انجمن ایالتی خراسان کرده‌اند که:

«شب ۲۲ صفر سالارخان بلوچ و اسدالله خان و لطفعلی خان یاور با جمعیت و سوار زیاد داخل شهر شدند باغ حکومت رفته توپ و قورخانه توپ را ضبط کرده توپچی را گرفته حبس کردند. الان در شهر ولوله است مردم دکاکین را بسته‌اند. آنها که آمده‌اند می‌گویند ما مشروطه می‌خواهیم به کسی کاری نداریم از قرار معلوم طرف صبح چند نفر رفته شجاع‌الملک را به ضرب گلوله مقتول ساخته و فعلاً هم نعش در زمین است کسی از کسانش نیست که به کفن و دفن او اقدام نماید.»^۱

اوضاع خراسان روز به روز آشفته‌تر می‌شد. نصف شهر مشهد در دست مشروطه‌خواهان بود و نصف آن در اختیار قوای دولتی رکن الدوله به مشروطه‌خواهان میدان می‌داد و دولتیان از او دل خوشی نداشتند. نیرالدوله حاکم جدید در راه بود. به سمنان که رسید به مشهد مقدس اطلاع داد که خیلی زود وارد مشهد خواهد شد. اعضاء

انجمن ایالتی به سمنان به او تلگراف کردند که قسمتی از تلگراف اعضاء انجمن ایالتی مشهد را در زیر مطالعه می فرمائید. شماره ۲، روزنامه خراسان در سوم ربیع الاول ۱۳۲۷ ق. منتشر شد و سرمقاله اش تلگراف اعضاء انجمن ایالتی خراسان و بزرگان خراسان است که از مشهد به سمنان مخابره کرده اند:

«تلگراف از مشهد به سمنان، خدمت حضرت مستطاب اشرف ارفع والا نیرالدوله دامت شوکتہ. البتہ به سمع عالی رسیده که محض ترویج احکام مطاعه مبادی عالیہ اهالی خراسان از کلیہ طبقات اتفاق نموده تشکیل انجمن و اقامه مراسم مشروطیت کرده تمامی خلق بر این مطلب متفق الکلمه اند به توجهات حضرت سلطان اولیاء ارواحنا فداء و اقدامات صحیحہ اهالی اصلاً فتنه و فساد روی نداده به این وضع حالیه اگر گماشتگان حضرت اشرف والا موافقت به امر مراسم مشروطیت و احکام انجمن می فرمایند و اصلاً مخالفتی به ظهور نمی رسد نعم الرفاق و حسن المطلوب. مردم خراسان هم همین طور حاکم مشروطه خواهی از خدا خواهانند و اگر خدای ناکرده اقدام به موافقت نشود به ملاحظاتی چند رجعت و انصراف حضرت اشرف والا اولی و انسب است. تشریف فرمائی حضرت والا سوای دردسر و فساد حاصلی نخواهد داشت. زیاده رأی رأی حضرت والا است.»^۱

نیرالدوله تا نیشابور آمد ولی در نیشابور استعفاء داد و به تهران مراجعت کرد. این تلگراف را تنی چند از اعضاء انجمن ایالتی خراسان مانند: اسداله الحسینی، محمد بن محمد کاظم = محمد تقی ملک الشعراء بهار، ابراهیم الرضوی، محمد علی فاضل، ذبیح الله قوجانی، زین العابدین العلوی رئیس الطلاب و چهل و سه تن از بزرگان خراسان امضاء کرده اند که ثبت نام همه آنها موجب طولانی شدن مطلب است. در همین شماره ۲ سواد تلگرافی از حجت الاسلام شیخ فضل الله نوری و علی اکبر بروجردی به عنوان برخی از علماء خراسان آمده که انجمن ایالتی خراسان و تعدادی از اعضاء انجمن مانند: اسداله بن صدرالدین الحسینی، قائم مقام التولیه، محمد باقر الرضوی، مرتضی الحسینی، محمد بن محمد کاظم (ملک الشعراء بهار) و تنی چند به او جواب داده اند. خبر دیگری که در شماره دو آمده تلگرافی است که از استرآباد درباره سخت گیری ایلخانی به مشروطه خواهان رسیده است و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در این

مسئله دخالت کرده و تلگرافی به ایلخانی فرستاده و او را از کردار زشت خود منع کرده است. این شماره با تلگراف آخوند خراسانی به پایان می‌رسد. نگارنده شماره ۳ تا ۶ را ندیده‌ام و نمی‌دانم مقالات و مطالب مهم آن چیست. از سواد مطالب شماره ۷ پیداست صدرالعلماء تربتی را به علت مخالفت با مشروطه‌طلبان و تلگراف سرسپردگی او به محمد علی شاه و همکاری با شیخ فضل‌الله مجاهدین به تربت حمله می‌کنند و او باش را سرکوب می‌کنند و صدرالعلماء تربتی را در روز ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ه. ق. دستگیر می‌کنند و در بازار تربت نزدیک ظهر:

خدنگ مارکش با مار شد جفت قضا هم خنده زد هم آفرین گفت
و به این وسیله صدرالعلماء تربت با یک تیر غیبی بدرود زندگانی نموده نویسنده خبر آورده است:

«در همین ساعت که مشغول نگارش این ورقه می‌باشد سیزده قبضه تفنگ و مقداری فشنگ که برای برهم‌زدن انجمن تهیه شده بود به همت مجاهدین غیور از منزل صدر مزبور به تصرف اردوی ملی درآمد.»^۱
شماره ۷ نوشته‌ای دارد زیر عنوان «خراسان» که این نوشته دو صفحه روزنامه را دربر دارد و اطلاعات مهمی درباره موافقان و مخالفان مشروطه در استان خراسان است و تلگرافی از خبرگزاری روتر راجع به تبریز و نظر ستارخان درباره آذوقه تبریز است.
روزنامه خراسان مجموعه‌ای از اطلاعات درباره وقایع انقلاب مشروطه است در سال ۱۳۲۷ ه. ق. این روزنامه مهمترین روزنامه‌ای است که در انقلاب مشروطه زیر نظر سید حسین اردبیلی و ملک‌الشعراء بهار منتشر شده است. صفحات این روزنامه آینه تمام‌نمای اوضاع خراسان است. درگیریهای مجاهدین، دشمنی‌ها، کشتارهایی که از سران دولتی و ملتی انجام داده‌اند در مشهد، در تربت خیدریه، ارتباط دامنه‌داری که انجمن ایالتی خراسان با تمام شهرهای مهم ایران و بخصوص اسلامبول و انجمن سعادت اسلامبول دارد. تلگرافات مهمی در این روزنامه چاپ شده که در کتابها و اسنادی که درباره انقلاب مشروطه انتشار یافته دیده نشده. درگیریهای چند جانبه‌ای که از طرف گروه‌های مختلف در مشهد بوقوع پیوسته آثار منظوم وطنی بسیاری در این روزنامه به چاپ رسیده که برخی از آنها از ملک‌الشعراء بهار است و بسیاری هم نام‌گرفته ندارد که برخی از آنها آثار خوبی است. چون روزنامه بصورت نیمه پنهان منتشر می‌شده بهار هم نام خود را زیر آثار خود ذکر نمی‌کرده است. شعر معروف بهار خطاب به محمد علی شاه

که در اوائل مشروطه سروده بود و مأمورین خفیه محمد علی شاه دنبال گوینده آن بودند در شماره ۸ ص ۳-۴ به چاپ رسیده است.

کار ایران با خداست	با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست
کار ایران با خداست	مذهب شاهنشاه ایران ز مذهبها جداست
زانکه طینت پاک نیست	شاه ایران گر عدالت را نخواهد پاک نیست

تالی آخرکه می فرماید:

جز خراسان خراب	خاک ایران بوم و برزن از تمدن خورده آب
کار ایران با خداست	هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست

نگارنده تا شماره ۱۷ این روزنامه را دیده است اما زنده یاد محمد صدر هاشمی در تاریخ جراید ایران آورده است:

«روزنامه خراسان در شهر مشهد به مدیریت سید حسین اردبیلی تأسیس و شماره اول آن در تاریخ ۲۵ صفر ۱۳۲۷ قمری طبع و توزیع گردید... و بشماره ۲۴- آن که آخرین شماره منتشره از این روزنامه است در تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته است.»

بررسی کامل مطالب این روزنامه فرصت مناسبی می طلبد که امید است این فرصت را بدست آورم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی